

با کودک قربانی تجاوز چه کنیم؟

Photo: lucidwaters/bigstock.com

ماهرخ غلامحسین پور

همیشه به عنوان مادری که در مسیر رشد و تربیت دو کودک گام برمی دارد، از خودم می پرسم اگر به یک باره متوجه علائم هشداردهنده تجاوز در رفتار یکی از کودکانم شدم، بهترین واکنش ممکن چیست؟

بهرتر است فکر نکنیم این همیشه دیگرانند که درگیر مشکل خواهند شد. گاهی دقیقا وقتی که در خوابیم اتفاق می افتد.

غالبا در قبال این پرسش و بدون اینکه در شرایط عینی، آن را تجربه کرده باشم، دست و پایم شروع به لرزیدن می کنند و احساس و روش منطقی ذهنم را گم می کنم. من به عنوان روزنامه نگاری که سالهای متوالی است در مورد کودکان آسیب دیده می نویسم و می خوانم، واقعا به درستی نمی دانم اگر با این فاجعه مواجه شدم، بهترین واکنشی چیست؟

دکتر رضا کاظم زاده، روانشناس و روان درمانگر ساکن بلژیک، توصیه می کند: باید به عنوان پدر و مادر به هوش باشیم و علائم را دنبال کنیم. اگر شاهد ترس و وحشت کودک از آدم های پیرامون و حتی ترس از نزدیک شدن به آنها باشیم، حتی اگر الزاما آنها تجاوزگر نباشند، می تواند علامت تجاوز باشد. باید تغییرات رفتاری کودکان را جدی گرفت و به عنوان زنگ خطر آنها را دنبال کرد. [بیشتر بخوانید: [تجاوز به پسر بچه ها، هشدارها و علائم را جدی بگیریم](#)]

اما در عمل و به محض اینکه یک مادر متوجه تغییرات و علائمی شد که می تواند نشان دهنده تجاوز خانگی به کودک باشد، باید چه واکنشی داشته باشد؟ آیا باید کنجکاوی کنیم؟ کودک را برای فهم ماجرا تحت فشار بگذاریم؟ او را بازجویی و بازپرسی کنیم؟ دستپاچه و ویران شده به پلیس مراجعه کنیم؟ مسلما پاسخ همه این سوالات منفی است. [بیشتر بخوانید: [تجاوز خانگی به پسران، دردی که همه کتمان می کنند](#)]

نخستین کاری که لازم است انجام بدهیم ایجاد فضای امن برای کودک است. او باید مطمئن باشد که دیگر به هیچ وجه و در هیچ شرایطی در معرض خطر دوباره نخواهد بود و به طور کامل، پشتیبانی و حمایت خواهد شد.

دکتر کاظم زاده می گوید کودکان وقتی در موقعیت دشوار قرار می گیرند قادر نیستند از خودشان دفاع کنند. اصلا نمی دانند باید چه کاری انجام بدهند و اقدام درست کدام است؟ کسی به آنها آموزش نداده که مثلا اگر عضو خانواده یا دوستی که سابق بر این با تو خوب برخورد کرده، رفتار ناخوشایندی انجام داد باید چطور برخورد کند؟ اولین گام و پیش از وقوع فاجعه، آموزش عکس العمل مناسب کودک در این شرایط است.

او می گوید غالبا کودکان در این قبیل موارد منفعل و در سکوت با مسئله برخورد می کنند. صریح نیستند. در حالی که نتایج تحقیقات نشان داده که وقتی کودک را آموزش بدهی، کاهش دست درازی به او چشمگیر خواهد بود و کودک قادر است شیوه دفاعی را با جرات بیشتری اجرا کند.

اما پس از حادثه چه کنیم؟

این روان درمانگر مراجعه به مشاور و متخصص را لازم و ضروری می داند اما لزومی ندارد در نخستین جلسه حتما کودک را با خودتان ببرید یا او را تحت فشار بگذارید:

«این امکان وجود دارد که والد، خودش به مشاور مراجعه کرده و مسئله را طرح کند. قربانی در این شرایط خودش را گناه کار و مقصر می داند و تصور می کند که اگر برخورد بهتری کرده بود، احتمالا این اتفاق برایش رخ نمی داد به همین دلیل کنجکاوی آشکار و پرسشگری غیرمنطقی می تواند این تصور را که کار اشتباهی کرده دامن بزند. او باید مطلقا احساس امنیت کند و این مهم است.»

آموزش کلید پیشگیری

در غالب کشورهایی که از همان ابتدا توسط خانواده و جامعه، تلویزیون و سایر رسانه های جمعی، محدوده اندام های شخصی را به کودک آموزش می دهند، آمار تجاوز جنسی به شکل معناداری کاهش یافته است.

در ایران و پس از اتفاقی که برای دختری افغانستانی به نام «ستایش» رخ داد، مسئولان آموزشی مصمم شده اند آموزش پیشگیری از آزارهای جنسی کودکان را اجباری کنند.

روزنامه شرق در مقاله‌ای به قلم شهرزاد همتی، از قول مدیر کل اموراجتماعی و فرهنگی استانداری تهران نوشته است که به زودی این قبیل آموزش‌ها در مهدکودک‌ها و پیش دبستانی‌ها، قانونی و اجباری خواهد شد.

دکتر رضا کاظم زاده به کارنامه موفق برخی کشورها از جمله کانادا در این حوزه اشاره می‌کند: «آنها برنامه‌های خوبی در حوزه فرهنگی انجام داده‌اند از طریق نقاشی یا برنامه‌های کم‌مدی به کودکان آموزش می‌دهند که این بدن متعلق به توست. حتی شیوه و جزییات احساس تملک را هم به کودک آموزش می‌دهند که چطور می‌تواند مرز قائل باشد و اجازه دست درازی ندهد. به او یاد می‌دهند وقتی با فرد بالغی احساس خوشایندی ندارد یا به نوع نگاه یا لمس کردنش حساس شده، بایستی به احساس درونی‌اش اعتماد کند و اجازه دست درازی به او نداشته و مسئله را با بزرگترهای قابل اعتمادش در میان بگذارد.»

خانم بهاره مهرجویی روانشناس و محقق امور تربیتی در این مورد تاکید می‌کند که بعد از بروز این اتفاق دردناک «لازم است کودک آسیب دیده توسط اطرافیان و خانواده یا گروه اولیه تربیتی کودک - هر کسی که باشد حتی اگر آنها ساکن پرورشگاه باشند- مورد حمایت قرار گیرد و مدام تکرار شود که شما تقصیری در این مورد ندارید.»

این محقق امور تربیتی از خشمی که کودکان مورد تعرض قرار گرفته درگیر آن هستند می‌گوید: «این کودکان غالباً در معرض خشم شدید قرار می‌گیرند و این خشم باعث می‌شود یا دوباره مورد تعرض قرار بگیرند و یا به صورت کاملاً اجتنابی عمل کنند. یعنی از انجام هر کاری که در لحظه به آنها توان مدیریت بحران بدهد تا خودشان را از مهلکه نجات بدهند، اجتناب کنند و آنها باز هم دوباره مورد تعرض و تجاوز قرار می‌گیرند.»

تاثیر گروه درمانی

این روانشناس قرار دادن کودکان آزاردیده در گروه‌های همسالان و اقدام به گروه درمانی را روش بسیار موثری در حل مشکلات روانی آنها می‌داند: «آنها باید توسط گروه همسالان خودشان تحت درمان یا همدلی و پذیرش قرار بگیرند. البته به این معنا نیست که همبازی‌ها یا همسالان این افراد، مطلع باشند که آنها از چه شرایطی عبور کرده‌اند. لزومی به این کار نیست فقط باید این کودکان در گروه جمعی همسالان مورد پذیرش قرار بگیرند. طرف بازی سایر کودکان باشند. مورد پذیرش قرار گرفتن در گروه همسالان می‌تواند کارکرد درمانی داشته باشد. در مورد خود ما هم که بزرگسالیم این مسئله صدق می‌کند. وقتی ما بین دوستانیم یا دوره‌های شبانه مشارکت می‌کنیم، بازی می‌کنیم و کنشگری داریم، اولین اتفاقی که می‌افتد درمان تروماها و کمپلکس‌ها از طریق مشارکت و همدردی است.»

عدم تشخیص آستانه و محدوده اندام‌های جنسی

از او می‌خواهم در مورد تجربه مراجعین بگویم: «خوب باید بگویم من غالباً با دختر بچه‌هایی مابین مراجعینم برخورد کرده‌ام که چنین اتفاقی برایشان رخ داده و بعدها خانواده هایشان در جریان قرار گرفته‌اند. مراجعی دارم که استاد دانشگاه است ولی در کودکی مورد تجاوز قرار گرفته است که طبعاً گذر زمان مرزها و توانایی‌های درمانگری را محدود می‌کند در حالی که اگر در همان گذشته، درمانش شروع شده و برای التیامش تلاش می‌شد، مسلماً روند درمان به سرعت بیشتری انجام می‌شد.»

بهاره مهرجویی در مورد مشکلاتی می‌گوید که کودکان آسیب دیده از تجاوز درگیر آن می‌شوند: «این کودکان معمولاً بعد از تعرض، تشخیص آستانه و محدوده اندام‌های جنسی خودشان و همچنین قدرت تشخیص میزان مرز و محدوده نزدیک شدن به اندام‌های جنسی دیگران را ندارند. کسی که مورد تعرض قرار گرفته است ممکن است که خودش را به دوستش بمالد و اصلاً نداند که چنین کاری درست نیست. مفاهیمی در این میان تخریب شده است، مثلاً محدوده اعضای خصوصی خودمان و دیگران که این مفاهیم دوباره باید برای آنها بازآفرینی و بازتعریف بشود.»

آلتش را بسیار محکم به تخت و دیوار می‌کوبید

او پسریچه‌ای را به خاطر می‌آورد که توسط یکی از اعضای فامیل مورد تعرض قرار گرفته بوده: «کاری که انجام می‌داد این بود که آلتش را بسیار محکم به تخت و دیوار می‌کوبید یا شروع می‌کرد به بوسیدن لب‌های دیگران، شش هفت ساله بود و زبانش را در می‌آورد و لب‌های دیگران را خیس می‌کرد. این‌ها را در جریان تعرض یاد گرفته بود. لازم بود به تدریج به او آموزش داده شود که این رفتارها صحیح نیست و از نو مرزهای محدوده خصوصی را به او بیاموزند تا بتواند قدرت تشخیص و تمیز داشته باشد چرا که بسیاری از این کودکان بعدها به خاطر رفتارهای جنسی ناصحیح ممکن است توسط خانواده، همسالان و جامعه پیرامونشان طرد شوند.»

به باور خانم مهرجویی که در زمینه امور تربیتی پژوهش‌هایی انجام داده است برخی از این کودکان ممکن است بر اثر تجاوز و تعرض، قدرت تشخیصشان را برای شناخت مرز رفتار صحیح از ناصحیح از دست داده باشند: «اگر خاطرتان باشد وقتی خودمان هم کودک بودیم

صحبت از پسر بچه هایی می شد که مثلا رفتارهای ناهنجار جنسی دارند، می گفتیم فلان پسر بچه شلوارش را می کشد پایین و ممکن بود همین رفتار دلیلی برای طرد شدنش در جامعه دوستان و همسالان باشد و به عنوان کودک بدرفتار یا بی ادب از او یاد می شد. در حالی که ممکن است علت رفتار بسیاری از این کودکان مورد تعرض قرار گرفتن باشد و بر اثر تعرض، قدرت تشخیصشان را برای شناخت مرز رفتار صحیح از ناصحیح گم کرده باشند. طبعاً وقتی طرد می شوند بدترین اتفاق درونی برایشان رخ می دهد چون بدون اینکه بدانند چرا رها شده اند، تنها می مانند و خشم درونی شان شدیدتر می شود و امکان اعمال خشونت توسط آنها بیشتر می شود.»